

دشواری های یک هفته اخیر پاکستان

برخی از مردم، احزاب و نهاد های مدنی پاکستان به این باور اند که نواز شریف صدراعظم فعلی پاکستان در اثر تقلب در انتخابات 2013 به قدرت رسیده است. حزب عوامی تحریک - جنبش مردم - طاهر القادری و حزب تحریک انصاف عمران خان، از جمله احزاب سیاسی اند که از روز انتخابات تا همین اکنون بر این امر پا فشرده اند و همواره و پیوسته خواهان رسیدگی به تقلبی که صورت گرفته است، شده اند. علاوه بر این عمران خان، نواز شریف و برادرش را متهم به دست داشتن در قتل 17 نفر از اعضای حزب تحریک انصاف در لاهور و گجرانوالا نموده است که باید از طریق مراجع عدلی و قضائی پی گیری شود.

ائتلاف حزب تحریک انصاف و عوامی تحریک چندین بار خواسته های شان را با مقامات دولتی در میان گذاشته اند، اما چون گوش شنوائی برای رسیدگی به شکایات شان نیافته اند، بالاخره به روز پنجشنبه 30 اسد تظاهرات اعتراضی را علیه دولت در شهر لاهور، مرکز ایالت پنجاب، جایی که برادر نواز شریف، شهباز شریف، صدراعظم آن است، به راه انداخته و به تعقیب آن در یک راهپیمائی نسبتاً طولانی از لاهور تا اسلام آباد و گذشتن از شهر های سیالکوٹ و گجرانوالا، دو سنگر مستحکم حزب مسلم لیگ (نواز) به طرف اسلام آباد حرکت نمودند و بعد از چهار روز خود را با جمعیتی که بین یک و دو میلیون نفر تخمین زده می شود، به اسلام آباد، پایتخت پاکستان، رساندند.

عمران خان قبل از حرکت به سوی ساختمان پارلمان، در چهارمین روز از آغاز مظاهرات در لاهور، زمانی که اعضای حزب و هواخواهان وی برای رفع خستگی به استراحت پرداخته بودند، راهپیمائی حزب خویش را "نافرمانی مدنی" خوانده و بعد از توقف یک روز در نزدیکی های خیابان سهروردی به طرف ساختمان پارلمان و دفتر صدراعظم که خیلی از هم دور نیستند به پیشروی پرداختند.

حکومت در چندین محل، چهارراه ها را با گذاشتن کانتینرها مسدود نموده بود، اما معترضین همه کانتینر ها را بوسیله "کرین" از سر راه شان دور نموده و با گذشتن از میدان ها و چهارراه های متعدد بالاخره بعد از پنج ساعت خود را به نزدیکی پارلمان رساندند و در آن جا توقف کردند.

درخواست هر دو حزب تا اینجا تنها استعفای نواز شریف بود که در سومین روز راهپیمائی مطرح شده بود.

پولیس و ارتش تا زمانی که معترضین به شاهراه "دستور" نرسیده بودند، هیچ گونه اعلامیه صادر نکردند و به هیچ نوع مداخله ای دست نزدند، اما با رسیدن معترضین در برابر ساختمان پارلمان و دفتر صدارت، ارتش اعلام کرد که حفاظت از ساختمان های دولتی به عنوان نمادی از حاکمیت و استقلال کشور و بر طبق قانون، بخشی از وظیفه آن ها است و در واقع هشدار می بود برای معترضین.

جامعه پاکستان در حال حاضر به دو دسته تقسیم شده است؛ برخی راهپیمایی و اعتراض معترضین را غیر قانونی و عمران خان و قادری را یاغی و باغی می خوانند و برخی هم آن را مطابق قانون و برحق می دانند.

نواز شریف که از شروع راهپیمایی از چهار راه سهروردی واقع در اسلام آباد تا صدور اعلامیه ارتش سکوت اختیار نموده بود، بعد از اعلامیه ارتش مبنی بر حفاظت از دوائر دولتی، اعلام نمود که حاضر به استعفا نیست، اما حاضر به مذاکره است.

معترضین تا زمان صدور اعلامیه ارتش به دفعات اعلام داشتند که به هیچ وجه حاضر نیستند با دولت مذاکره کنند.

امروز، اما معترضین اعلام کردند که حاضر هستند با میانجیگران به مذاکره بنشینند، منتها پیش از نشست با کمیته میانجیگران که متشکل از افراد بی طرف هستند، شرایطی را مطرح کردند که عبارت است از:

- نواز شریف استعفا بدهد.
- انتخابات مجدداً برگزار شود.
- اصلاحاتی در قوانین انتخاباتی وارد آورده شود.
- حکومتی بی طرف تشکیل گردد.
- تمام کمیشنرهای انتخاباتی باید استعفا بدهند.
- تمام متقلبین انتخابات 2013 باید به محکمه کشانده شوند و به زندان بروند.

گفته می شود که عدم دخالت ارتش تا زمان رسیدن متعرضین به شاهراه دستور به دلیل شکر رنجی ارتش از صدراعظم بود که کمی بعد از انتصاب راحیل شریف به حیث لوی درستیز پاکستان به دلایلی که هنوز افشأ نشده است، بوجود آمده بود؛ اما با دیدار شهباز شریف، صدراعظم ایالت پنجاب و چوهدری نثار علی وزیر داخله حکومت فدرال با راحیل شریف موقف ارتش فعلاً به سود نواز شریف تغییر نموده است.

معضله موجود پاکستان بدون شک شباهت های با وضع موجود افغانستان که ناشی از تقلب در انتخابات است، دارد. اما در عین داشتن شباهت ها - تقلب گسترده و سازمان داده شده و حمایت های دولت و افراد وابسته به آن از یک کاندید مشخص - تفاوت های هم وجود دارد؛ همانند:

در جنبش اعتراضی پاکستان توده های عظیمی از مردمی به مشاهده می رسند که به صورت عمومی از وضع بسیار خراب اجتماعی و اقتصادی کشور - نبود کار، گرانی، کمبود آب و برق، کمبود و گرانی مواد نفتی، برخوردهای فرقه ای، فساد اداری، فساد مالی، فساد سیاسی و فساد اخلاقی، جنایات، باند های مافیا، افزایش روزافزون رواج و قاچاق مواد مخدره، ترور، قتل، اختطاف، اخاذی، نبود امنیت، جنگ و بی ثباتی در کشور رنج می برند. به معنای دیگر مردم را بیشتر خواسته های اقتصادی/سیاسی آن ها به میدان کشانیده است تا پیوند قومی و زبانی و مذهبی و سمتی آن ها، در حالیکه در کشور ما در حرکت اعتراضی که علیه تقلب در انتخابات به راه افتاد، توده های مردم اصلاً اشتراک نکردند و میدان را گذاشتند به یک مشت انسان هائی که در زد و بند با نامزد های انتخابات قرار داشتند.

انتظار این بود که مردم ما با در نظر داشت تقلب و بی احترامی که نسبت به آن ها شده بود، یک حرکت قوی و وسیع مدنی را به راه می اندازند و به تقلب کاران و حامیان

رنگارنگ شان می فهمانند که: اشتباه کرده اید. ما همانگونه که در انتخابات با احساس مسؤولیت در برابر خود، کشور و آینده خویش اشتراک کردیم و رأی دایم، می دانیم که چگونه از رأی خود دفاع و حفاظت هم کنیم!

من چنین فراخوانی را در اولین روزهای آوازه تقلاب داده بودم. اگر چنین کاری می شد، بی تردید اول شمارش آرا این قدر طول نمی کشید. دوم کسی جرأت نمی کرد در آینده بار دیگر دست به تقلاب بزند. سوم معضله شمارش آرا و انتخاب رئیس جمهور بوسیله خود افغان ها حل می شد و با آمدن یک خارجی یک مقدار آبروی که برای ما باقی مانده بود، هم نمی ریخت.

چه کنیم و چه بگوئیم که ما همیشه عادت کرده ایم که هر کار خود را ناتمام گذاشته و پی کار دیگری می رویم.

برنامه تظاهرات در شهر اسلام آباد پاکستان چیزی بیشتر از یک ماه قبل، در روز جشن استقلال آن کشور ریخته شده بود. دولت در آن زمان تصمیم گرفت با نافذ کردند حالت فوق العاده، به بهانه حفظ امنیت شهر اسلام آباد، بر اساس ماده 245 قانون اساسی این کشور، ولی در اساس از ورود و حضور معترضین به اسلام آباد جلوگیری کند.

طبق ماده 245 قانون اساسی پاکستان دولت فدرال تنها در مقابل حملات خارجی، وقوع جنگ، و برای کمک به نیروهای مدنی اجازه دارد ارتش را برای تامین امنیت موظف بسازد و وضع فوق العاده اعلام کند.

قوس و کش میان دولت نواز شریف و دو حزب نامبرده جریان دارد. پیش بینی برای اینکه کدام یک از دو طرف برنده خواهد شد، بستگی به این دارد که ارتش بالاخره جانب کدام طرف را می گیرد.

در صورت بیطرفی ارتش، گمان بر آن است که نواز شریف مجبور به استعفا شود. انتخابات مجدد به راه انداخته خواهد شد و در قانون انتخابات هم تغییراتی بوجود خواهد آمد و متقلبین هم به محکمه کشانیده خواهند شد؛ بر خلاف افغانستان که جرتش هم خراب نیست که تقلبی صورت گرفته است یا تقلبی وجود داشته است یا قانونی داریم و محکمه و قاضی و بازخواستی و چیز های از این مفاهیم و مقوله ها!!